



گفت‌وگوی روزنامه صبا با عوامل فیلم «نهنگ‌ها»

## کشتی طوفان زده را ننگر

قائل به این نیستیم که باید به بازیگر همه چیز را بگوییم. رونیکا زمان فیلمبرداری‌های این کار ۴ سال کوچکتر از امروزش بود و اصلاً هم نمی‌دانست که پلانی وجود دارد که باید در آب بیفتد. البته ما همه شرایطی که برای حفظ ایمنی او لازم بود را رعایت کردیم اما به او نگفتم که قرار است این صحنه اتفاق بیفتد و خدا را شکر هیچ اتفاقی هم نیفتاد. البته رونیکا رزومه پرکاری دارد و در آثار مهمی حضور داشته است. حقیقتش من خیلی خوشحال شدم که با این دو دختر بچه کار کردم آیلین جاهد شاید در این فیلم نقش کمتری داشت اما واقعاً بازیگر بی‌نظیری است همینطور رونیکا، من پیش از این نیز کار کودک ساختم و می‌دانم که چقدر کار کردن با کودک چالش برانگیز است منتها آنقدر این دو دختر بچه حرفه‌ای و خوب بودند که من واقعاً به اندازه یک بازیگر بزرگسال با آنها راحت بودم چون خیلی باهوش بودند و کاملاً متوجه می‌شدند. البته این به تجربه‌های پیشین آنها نیز مربوط می‌شد هر دو آنقدر جلوی دوربین رفته‌اند که خوب بفهمند که کارگردان از آنها چه می‌خواهد.

### از همکاری با تهیه‌کننده و سرمایه‌گذار فیلم بگویید.

خب آقای محمد احمدی تقریباً از اواسط کار به ما اضافه شد، ایشان پیشکسوت ما و یک انسان واقعا شریف هستند و بشخصه از ایشان آموختم، به هر حال یک تهیه‌کننده با سابقه ممکن است نخواهد پشت یک فیلمساز جوان بایستد هر چند که من ۱۰ فیلم کوتاه ساختم اما این فیلم اولین تجربه بلند سینمایی من بود و آقای احمدی هرچایی که از ایشان کمک می‌خواستیم حمایت کردند. من واقعا خوش شانس بودم که آدم‌های خوبی مثل ایشان به پستم خوردند و خیلی خوشحالم که با ایشان کار کردم. سرمایه‌گذار ما نیز آقای امیر زمستانی که یکی از سرمایه‌گذاران فیلم «ابد و یک روز» نیز هستند، بود و باید بگویم که ایشان جزو افرادی است که واقعا به سینمای ایران خدمت کرده است. بارها دیده‌ام از کسانی که تازه می‌خواستند وارد عرصه تئاتر یا سینما

بودیم اما وقتی با هم صحبت کردیم و در مرحله پیش تولید اطمینانم بیشتر شد. در طول این سال‌هایی که کار کردم و فیلم‌هایی که ساختم به این نتیجه رسیدم که اگر سه رابطه در پشت صحنه ساخت یک فیلم درست از آب در نیاید آن فیلم دچار مشکل می‌شود. یکی رابطه کارگردان با تصویربردارش است و دیگری رابطه کارگردان با بازیگر و بالعکس یعنی این‌ها سه ضلع اصلی هستند. البته و قطعاً همه عوامل تاثیرگذار هستند اما تصویربردار در خروجی کار بسیار اهمیت دارد.

### با توجه به اینکه هم فیلمسازی جوان و مهاجر هستید و هم کارنامه کاری قابل توجهی دارید، نظرتان در مورد انتظار برای زمان مناسب ساخت اثر چیست؟

خیلی از دوستانم که سال ۸۹ با هم این مسیر را شروع کردیم هنوز فیلم نساخته‌اند چون منتظرند یک شرایط ایده‌آل پیش بیاید اما من منتظر شرایط ایده‌آل نمی‌نشینم. من فیلم مستندی به نام «بی‌سرزمین‌تر از باد» ساختم که خیلی هم دیده شد و یکی از کارهایی است که خیلی دوستش دارم و زمانی که می‌خواستم کست این کار را جمع کنم با چالش‌های زیادی روبرو بودم یا اینکه اکثر کارهای من تهیه‌کننده ندارد و تهیه‌کننده کار خودم هستم اما معطل نمی‌شوم. آنجانب خودم یک دوربین برداشتم و اتفاقاً آقای حسن مقصودی که در این فیلم بازی کرده نیز در آن پروژه با من همکاری کرد و رفتم و کار را ساختم. می‌خواهم بگویم که منتظر شرایط ایده‌آل نمی‌مانم و با همان مترایالی که دارم فیلم را می‌سازم. در این فیلم نیز با توجه به شرایطی که داشتیم شاید آن دوربین و لنزی که تصویربردارمان می‌خواست را نمی‌توانستیم در اختیارش بگذاریم و نسبت به مترال، شرایط و فضایی که داشتیم از ایشان ممنونم، واقعا دشمنانم گرم و خیلی زحمت کشیدند.

### دو بازیگر کودک در این فیلم دارید. آیا در در زمینه کار کردن با بازیگر کودک دچار چالش شدید؟

حقیقتش هر فیلمسازی با روشی بازی می‌گیرد و من شخصاً

فیلم سینمایی «نهنگ‌ها» به نویسندگی و کارگردانی غلامرضا جعفری و تهیه‌کنندگی محمد احمدی به بخشی از چالش‌های جامعه ایرانی و جامعه مهاجران افغانستان به عنوان زندگی سه خانواده که در موقعیتی بحرانی به هم گره می‌خورند، می‌پردازد. در ادامه گفت‌وگوی خبرنگار صبا با عوامل این فیلم را می‌خوانید.

مریم عظیمی  
گفت‌وگو

### غلامرضا جعفری؛ نویسنده و کارگردان:

#### منتظر شرایط ایده‌آل نمی‌نشینم

لطفاً از چگونگی ورودتان به عرصه سینما و تجاربی که در این زمینه دارید بگویید.

من از ورودی‌های سال ۸۹ انجمن سینمای جوان هستم، ۱۰ فیلم کوتاه در زمینه مستند و داستانی ساختم و از سال ۹۰ در تمام جشنواره‌های بین‌المللی ایران مثل جشنواره بین‌المللی فیلم فجر، فیلم کوتاه تهران، حقیقت و جشنواره کودک اصفهان حضور داشتم و اولین فیلم بلندم همین «روزی روزگاری» بوده است که نامش به دلایلی به «نهنگ‌ها» تغییر یافت.

ایده این فیلمنامه چگونه شکل گرفت و چگونه شد که تصمیم گرفتید یک فضای ترکیبی از معضلات هر دو جامعه، یعنی جامعه ایرانی و افغانستانی را کار کنید؟

سال ۸۰ چنین قضیه‌ای دهان به دهان بین بچه‌های همشهری و هموطنان ما پیچیده بود. مسئله مربوط به خانواده‌ای سرایدار بود که شب عید صاحب کارشان به دبی سفر می‌کند و زن پا به ماهی که در آستانه ایمان بوده و مشابه همین اتفاقات فیلم یعنی دستگیر شدن مرد جلوی درب بیمارستان در ادامه برای این خانواده افتاده بود. از زمانی که این داستان را شنیدم به نظر من آن درام لازم را داشت منتها به تنهایی کافی نبود بنابراین تصمیم گرفتم تا سه داستان را همزمان جلو ببرم. من سعی کردم پی‌رنگ اصلی فیلمنامه، با توجه اینکه خودم نیز یک فیلمساز افغان در ایران هستم بر محور خانواده افغان باشد اما در کنارش دو پی‌رنگ دیگر نیز افزودم اما در حال حاضر و در شکل نهایی فیلم نمی‌توان گفت که پی‌رنگ اصلی خانواده افغان است بلکه فیلم در نهایت به داستان زندگی این سه خانواده تبدیل شد.

فیلمبرداری‌های فیلم چه زمانی آغاز شد و چقدر طول کشید؟

ما کار پیش تولید را اوایل کرونا آغاز کردیم و پس از آن قضیه کرونا خیلی جدی شد. البته ما سر فیلمبرداری نرفتم ولیکن در همان مرحله پیش تولید خود من و چند تن از همکاران درگیر کرونا شدیم به همین دلیل فیلمبرداری‌ها کمی به تعویق افتاد و پس از آن بحث واکسن‌ها اتفاق افتاد و خلاصه بعد از حدود ۵ ماه فیلمبرداری را آغاز کردیم. مدت فیلمبرداری ما زیاد نبود اما بنا بر اتفاقاتی، کار یکی دو بار تعطیل شد که آن هم باز به خاطر شرایط کرونا بود و نهایتاً در کمتر از یک ماه، فیلمبرداری کار به اتمام رسید.

### انتخاب بازیگران به چه صورت بود؟

فکر می‌کنم کار کردن در سینمای مستقل به این ترتیب باشد که باید سعی کنید با داشته‌هایتان بسازید. ما سرمایه زیادی نداشتیم بنا بر این از همین دوستان مان استفاده کردیم و کار بیشتر دلی و با همکاری دوستان جمع شد. کما اینکه به دنبال یک بازیگر افغانستانی که تجربه کافی برای ایفای نقش زن افغان فیلم را داشته باشد زمان زیادی صرف کردیم اما همانطور که می‌دانید در این زمینه بازیگران انگشت شماری داریم. بنا بر این تصمیم گرفتیم که از خانم قلاطیان استفاده کنیم. ایشان بازیگر تئاتر هستند و من پیشتر تئاترهای خوبی از ایشان دیده بودم، جلسه گذاشتیم و ایشان نیز از کار استقبال کردند و به نظرم خیلی خوب هم از پس این نقش برآمدند. بازیگر دیگر ما حسن مقصودی بود که نقش مرد افغان را بازی می‌کرد خب ایشان در پروژه‌های تئاتری و چند فیلم کوتاه با من همکاری کرده بودند و از آنجایی که من سابقه کاری‌شان را می‌دانستم برای این نقش انتخاب‌شان کردم و واقعا نیز از کارشان راضی بودم. بقیه دوستان نیز کم کم به پروژه اضافه شدند و فکر می‌کنم به نسبت شرایطی که به عنوان یک فیلمساز مستقل داشتم بهترین کستی که می‌توانستم ببندم همین بود و از همه آنها نیز ممنونم چرا که نهایت همکاری را با ما داشتند.

فیلمبرداری کار نیز قابل توجه است همکاری شما با آقای مهدی افشار چگونه شکل گرفت؟

آقای مهدی افشار از طرف سرمایه‌گذار و تهیه‌کننده به من معرفی شدند و ما پیش از این با هم کار نکرده بودیم و ایشان را نمی‌شناختم به همین سبب در ابتدا با چالش‌هایی برای اعتماد و اطمینان به هم روبرو